

شهری کوچک با شهرتی عالم گیر

سلجوقیان اولین مهاجمین ترک بوده‌اند که به قونیه آمده‌اند (۱۰۶۹).

آلب ارسلان، سلطان سلجوقی بزرگ، در سال ۱۷۰۱ دروازه‌های آاناتولی را به روی ترک‌ها باز کرد. سلطان آلب ارسلان پس از پیروزی به فرماندهان خود فتح تمام مناطق آاناتولی را دستور داد. قونیه توسط کوتالمش اوغلو (کوتالمش زاده) سلطان سلیمان شاه فتح شد.

ف- بارباروس امپراتور آلمان در دوران جنگ‌های صلیبی سوم، علی‌رغم محاصره کردن قونیه (۱۱۹۰) نتوانست قلعه‌ای را که قلیچ ارسلان دوم از آن دفاع می‌کرد را فتح کند و پنج روز بعد مجبور به عقب‌نشینی شد.

قونیه در سال ۱۴۶۷ جزء اراضی عثمانیان شد و امروز به عنوان یکی از بزرگترین و مهم‌ترین شهرهای جمهوری ترکیه، برای انتقال گذشته باشکوهش به نسل‌های آینده به سرعت در حال توسعه است.

مولانا جلال الدین محمد رومی

مولانا جلال الدین محمد رومی مرد اندیشه و علم می‌باشد که صدها سال است که دنیا را تحت تاثیر خود قرار داده و با اندیشه‌های خود را روشن‌سازی انسانیت نقش موثری داشته است. سفری که از بلخ شروع شده و در قونیه خاتمه پیدا کرده است، بزرگ‌ترین مرد عاطفه و بزرگ‌ترین هنرمند تاریخ بشریت را برای قونیه به ارمغان آورده است. قونیه با فلسفه او به یک شهر صلح، امنیت و تفاهم تبدیل کرده است.

امروز آثار او به نام‌های دیوان کبیر، فیه‌ما فیه، مکتوبات و مجالس سبأ در کنار مثنوی نوربخش هزاران قلب می‌باشد و پیام‌های او را به ؟ د گوشه و کنار دنیا در حال انعکاس است.

موزه مولانا

مکان درگاه مولانا که امروز به عنوان موزه مورد استفاده می‌باشد، باغچه گل سرای سلجوقیان بوده است که از طرف سلطنت علاءالدین کیقباد به بهاءالدین ولد پدر مولانا که سلطان علما نامیده می‌شد هدیه گردید. علاءالدین ولد که در سال ۱۲۳۱ وفات کرد، در مکان امروز تربت دفن شده است بعد از وفات مولانا جلال‌الدین محمد رومی در ۱۷ دسامبر ۱۲۳۷ پسر مولانا سلطان ولد بنا به خواسته متقاضیان بر روی مقبره مولانا بارگاه ساخت. یکی از وزیراندوران سلجوقی به نام امیر پروانه، به اتفاق همراهانش با سرمایه هنگفتی بر روی مقبره مولانا یک گنبد مخروطی که با کاشی تزیین شده بود ساخت. معمار این گنبد پدرالدین تبریزی می‌باشد. درگاه مولوی و آرامگاه در سال ۱۹۲۶ تحت عنوان (موزه آثار عتیقه قونیه) به عنوان موزه شروع به کار کرد. در سال ۱۹۵۴ در فعالیت‌های نمایش و تنظیم

مختصری از تاریخ قونیه

قونیه از دوران ماقبل تاریخ محل زندگی بوده است در قونیه و حوالی آن به آثار زیادی از دوران پالیولیتیک (عصر حجر قدیم، دوران سنگ‌های سخت). (۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ سال قبل از تاریخ) تولولیتیک دوران سنگ‌های شفاف (۷۰۰۰ تا ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد)، کانکولیتیک (دورانی بین سنگ‌های شفاف و دوران سنگ مس). (۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد) و دوران سنگ‌های معدنی مثل سنگ مس و برنز برخورد شده است.

قونیه از ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد محل زندگی بوده و برای بسیاری از تمدن‌ها نقش گهواره‌ای داشته است. اگر ایجاد و استفاده از خط که به ۳۵۰۰ قبل از میلاد برمی‌گردد را به خاطر



سال‌هاست که شاهد مراسم باشکوهی در شهر کوچک قونیه هستیم. این مراسم بزرگداشت مولانا جلال‌الدین محمد بلخی رومی است که در نوع خود بسیار جالب و سرگرم‌کننده بوده و در بین تمامی ملل از جایگاه ویژه و خاصی برخوردار است. شاید در ذهن برخی از هموطنان این فرضیه‌ی غلط شکل گرفته باشد که کشور ترکیه با اجرای چنین بزرگداشتی، ادعای مالکیت این میراث کهن و با ارزش را به خود اختصاص بدهد. اما باید گفت که چنین نیست و نمی‌تواند باشد. چراکه این شخصیت بزرگ تاریخی، یکی از میراث‌های جهانی به حساب آمده و برگزاری بزرگداشت آن به قوم و ملت خاصی بر نمی‌گردد. با این حال باید گفت که ما ایرانیان به عنوان کسانی که مولانا در کشورشان به دنیا آمده و اشعار خود را به این زبان و در بستر چنین فرهنگی به ورطه ظهور رسانده خرسند و خشنود هستیم ولی با توجه به حجم عملکرد و تبلیغاتی که در کشور همسایه و دوست ما ترکیه صورت می‌گیرد باید به جد از تبلیغات و تلاشی که این همسایگان محترم انجام داده‌اند سپاسگزار باشیم و شاید لازم باشد به جای ایراد گله و سخنانی که شایسته نیست، این واقعیت را بپذیریم و کوتاهی خودمان را با خرده گرفتن از دیگران توجیه نکنیم.

در ادامه این نوید را می‌دهیم که به‌زودی اطلاعات جامع و کامل‌تری، در قالب یک ویژه‌نامه در اختیار خوانندگان محترم قرار خواهد گرفت.

علی جلالی نجف‌آبادی



آوریم. می‌توانیم بگوییم که قونیه یکی از قدیمی‌ترین مراکز زندگی محسوب می‌شود. در قرن ششم قبل از میلاد اسکندر بزرگ سلوکوس‌ها و پادشاهی برگاما و در ۳۹۵ سال قبل از میلاد امپراتوری رم در قونیه و در اطراف آن حاکم بوده‌اند. در اوایل قرن هفتم میلادی ساسانی‌ها و باز در اواسط همین قرن امویان به فرماندهی معاویه قونیه را به طور موقت اشغال کرده‌اند. قونیه تا قرن دهم میلادی یک ایالت بیزانس به شمار می‌رفت و بعد در اختیار عرب‌های مسلمان قرار گرفته است. تا قبل از پیروزی جنگ مالازگرد،

موزه تجدید نظر به عمل آمد و نام موزه به موزه مولانا تغییر یافت. راه ورود به حیات موزه دروازه درویشان می باشد در طول جوانب غرب و شمال حجره های درویشان قرار گرفته است. این حجره ها توسط پادشاه مراد سوم در سال ۱۵۸۴ به منظور اقامت درویشان ساخته شده است. بعضی از این حجره ها امروز به عنوان اداره مورد استفاده می باشد. دو عدد از این حجره ها به عنوان اتاق پوست نشین و اتاق مثنوی خوان با اشیاء اصلی مورد نمایش است و در اتاق آخر کتاب های مرحوم عبدالباقی گل پینارلی و دکتر محمد اوندی قرار دارد. در سمت جنوبی موزه آشپزخانه وجود دارد که تا موزه شدن مقبره احتیاج غذایی از آنجا تامین می شده است و در سال ۱۹۹۰ با تعمیر و مانکن گذاری به صورت امروزی در آمده است. بعد از آشپزخانه و مقبره خرم پاشا دروازه خاموشان واقع شده است که به سمت قبرستان سه تایی باز می شود. (در این قبرستان سه تن از جوانمردان خراسان دفن شده، به همین دلیل نام سه تایی می باشد وسط باغچه محل سما خانه می باشد و در کنار آن اتاق تلاوت با دروازه های چوبی واقع شده است. این اتاق پر از آثار خطی می باشد. در این مکان یک دروازه نقره ای وجود دارد توسط فرزند حسن پاشا سوکولو محمد پاشا در سال ۱۵۹۹ ساخته شده است و از دروازه راهی است به حضور پیر که محل نزدیکیان مولانا می باشد. در این

مکان دو ویتترین قرار دارد که در میان آن ها قدیمی ترین نسخه های مثنوی و دیوان کبیر به نمایش گذاشته شده است. در زیر این صندوق بزرگ پدر مولانا، سلطان العما بهالدین ولد دفن شده است. این صندوق که از شاه اثرهای کار چوب سلجوقیان می باشد در زمان قانونی سلطان سلیمان از روی مقبره مولانا به این مکان انتقال داده شده است. صندوق حضرت مولانا نیز با تنه عتیقه، تزئینات هندسی و نباتی یکی دیگر از آثار کار چوب می باشد که شبیه صنعت سم چوب می باشد. یکی دیگر از صندوق ها موجود در آرامگاه مربوط به مظفرالدین امیر عالم چلبی و دیگر مربوط نوه مولانا جلاله خاتون می باشد که با هنر کاشی تزئین شده اند. مزارهای دیگری که از این آرامگاه موجود می باشد به ترتیب به چلبی حسام الدین، بای تیمور، اوغلو شیخ کرام الدین، امیر شمس الدین یحیی، دختر مولانا ملکه خاتون و دیگر جوانمردان خراسان مربوط می باشد. در پایین پای جوانمردان خراسان کاسه نیسان جای گرفته است که برای حکمران ایلخانی، ابوسعید بهادر ساخته شده است.

تکیه خانه ها طوری تنظیم شده که در کنار سماخانه همیشه یک مسجد و در سوی دیگر آن، تربت ساخته شده است. پوشش روی آرامگاه که به شکل گنبد ستاره دار تزئین شده و تزئینات روی دیوارها یک معنای درونی می دهد. تا سال ۱۹۲۶ که درگاه به عنوان موزه باز شد، مراسم سما در سماخانه ای که توسط قانونی سلطان سلیمان در قرن ۱۶ ساخته شده بود برگزار می شد. در سماخانه، کرسی نعت و محل نشستن موزیسین ها یعنی حجره مطرب با حالت اصلی خود نگهداری می شود و باز در این مکان آثار چوبی و فلزی و آلات موسیقی مولوی به نمایش گذاشته شده است. در حیاط این آشیانه حضور یک حوض سر بسته با فوران آب که توسط سلطان سلیم در سال ۱۵۱۲ ساخته شده است، به نام حوض شب عرس و در سمت شمالی حیاط شیرآب سلسبیل واقع شده است که به موزه زیبایی خاص می بخشد.



مرکز فرهنگی موزه مولانا

مرکز فرهنگی موزه مولانا در فاصله یک کیلومتری موزه مولانا قرار دارد و از نظر موقعیت به قبرستان سه تایی نزدیکتر است. مرکز فرهنگی مولانا با مساحتی در حدود ۱۰۰۰۰ متر مربع، ظرفیت و توانایی برگزاری تمام برنامه‌هایی که در قونیه انجام می‌شود را دارد. این مرکز فرهنگی محتوی دو سالن مذاکره سرباز و سرپوشیده (سماخانه)، سالن‌های نمایش، کافه تریا، کتابخانه، مرکز تحقیقات، سالن‌های کنگره و نمایش و مکان‌های مختلف دیگر می‌باشد و هر ساله در سال دسامبر، در زیر بزرگ‌ترین قندیل دنیا، یعنی مرکز فرهنگی، مراسم یادبود مولانا جلال‌الدین محمد رومی برگزار می‌گردد. این مرکز با برگزاری فعالیت‌های فرهنگی در طول سال، نفس تازه‌ای برای جهانگردی قونیه بوده و با احتشام خود دقت تمام دنیا را به سوی خود جلب نموده است.

تربت و مسجد شمس تبریزی

بزرگترین تحول زندگی مولانا جلال‌الدین محمد رومی، ملاقات ایشان با شمس تبریزی می‌باشد. تا آن زمان مولانا در مساجد و مدارس درس می‌داد و وعظ می‌کرد اما بعد از آن تاریخ تماما تغییر می‌کند.

شمس تبریزی در تبریز متولد شده و نام ایشان مولانا محمد است. جستجوی معنوی حضرت مولانا با روبه رو شدن با ایشان خاتمه می‌یابد. کسی بود که نه به دنیا و نه به طرز لباس پوشیدن اهمیت می‌داد و در طول سه سال ونیم برابری با مولانا، افق‌های جدیدی در زندگی مولانا، باز کرده است و او را عاشق کامل حق ساخته است. مولانا دوت خود شمس را فراموش نکرده و دیوان (دیوان شمس) را نوشته و به ایشان اهدا نموده است. امروزه در قونیه مسجد شمس تبریزی که به عنوان مکان و مقام شمس شناخته شده و قبل از مرقد مولانا زیارت می‌شود اولین بار در قرن ۱۳ ساخته شده است. بنای امروز به همراه مسجد در سال ۱۵۱۰ توسط عبدالرزاق اوغلو اسحاق بی، ترمیم و توسعه داده شده است. اما این‌که از طرف چه کسی ساخته شده است مشخص نیست. این تربت به مسجد متصل بوده، از داخل دارای سقف و از بیرون به شکل یک طنبور ۸ ضلعی پوشیده شده است در حالی‌که بر روی آن کلاهی به شکل هرم قرار دارد.

در قونیه مدارس و مساجدی وجود دارد که مربوط به دوران‌های مختلف می‌باشد و انعکاس‌کننده احتشام و شفافیت آن زمان می‌باشد.

تربت ملانصرالدین (آق شهر)

فیلسوف بزرگ و استاد مزاح ملانصرالدین، در سیوری حصار متولد شده و بعد به آق شهر آمده و ساکن می‌شود و در همین جا با حیات خود ودا می‌کند. ملانصرالدین کسی است که موقع خنداندن در اصل به فکر انداختن را مبنای کار گرفته بود. تربتش در شرق حصار شهر آق شهر در قبرستانی به نام خود ایشان می‌باشد. بر روی تربت ملانصرالدین ترمیمات زیادی انجام گرفته و باعث شده است که تربت شکل اصلی خود را از دست بدهد.

اما نمای امروزی آن در سال ۱۹۰۵ توسط بخشدار آق شهر، آقای شکرو ساخته شده است. از بنای قدیمی فقط تربت اصلی که در وسط باقی مانده است. این مقبره صندوقی از مرمر می‌باشد که بر روی آن سنبل زندگی استاد خنده ملانصرالدین، تاریخ درگذشت ایشان که ۶۳۸ هـ. (۱۲۸۴ میلادی) می‌باشد، به صورت برعکس یعنی به شکل ۳۸۶ نوشته شده است.

قونیه شهری است که تمدنی این چنین بزرگ را در سینه حمل می‌کند و، یکی از کمیاب‌ترین شهرهای جهان است که دارای زیباترین آثار ملی می‌باشد.

